

غزل شماره ۵۰

به دام زلفِ تو دل بتلایِ خویشتن است
بکش به غمزه که لیشِ سزایِ خویشتن است

گرت ز دست برآید مُرادِ خاطرِ ما
به دست باش که خیری به جایِ خویشتن است

به جانت ای بتِ شیرینِ دهن که همچون شمع
شبانِ تیره، مُرادم فزایِ خویشتن است

چو رای عشق زدی باتو کتم ای بلبل
مکن که آن گل خندان به رای خویشن است

به مشک چین و چگل نیست بوی گل محتاج
که نافه‌هاش ز بند قَبایِ خویشن است

مرو به خانه اربابِ بی مروتِ دهر
که کنج عاقبت در سرایِ خویشن است

بسوخت حافظ و در شرطِ عشق‌بازی او
هنوز بر سرِ عهد و وفایِ خویشن است

تفسیر فال

با هر کس طرح دوستی نریز، زیرا همه آن صدماتی که متحمل شده‌ای، ناشی از دوستی‌های نادرست و نامناسب بوده است. در عشق، تجربه شکست خورده‌ای و ممکن است دل‌تنگی‌ها و دردهای بسیاری را پشت سر گذاشته باشی. اما باید به یاد داشته باشی که زندگی همواره در حال تغییر است و امید وجود دارد که همه چیز دوباره رو به راه شود. عشق خالص و بی‌آلایش را به سادگی در اختیار هر کسی قرار نده، چرا که بسیاری از افراد ممکن است دارای ظاهری جذاب و دل‌نشین باشند اما باطنی تیره و تار دارند که می‌تواند موجب آسیب رساندن به تو شود. همچنین در زمان‌های دشوار و احتیاج، نباید به هر خانه‌ای رو بیندازی؛ بلکه باید بدانی که حاجت اصلی تو نهفته در قدرت اراده‌ات و توانایی‌های خودت می‌باشد. این امر نه تنها نشان‌دهنده استقلال توست بلکه تأکیدی بر اهمیت خودباوری نیز محسوب می‌شود.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)